

بحران دولتی تنهادر چارچوب انقلاب قابل حل است

امام علی

فروزان ودست نایافتنی

فردا یکشنبه ۱۲ مردادماه برابر با ۲۱ ماه رمضان، سالروز رحلت حضرت علی امیر مؤمنان، امام اول شیعیان و چهره تابناک اسلام راستین و مبارز است.

زندگی، آموزش و شهادت علی ابن ابیطالب، الهام بخش مبارزان حق دوست و عدالتخواهی است که امروز نیز علیه ستم و بهره کشی، علیه دروغ و زنا، علیه پستی و ذنات قدس علم کرده اند.

شهادت امام اول شیعیان را به همه پیروان راه او تسلیم میگوئیم.

بدین مناسبت مقاله ای را که به قلم م. ح. شهری زیر عنوان «امام علی، فروزان ودست نایافتنی» در شماره چهارم ماهنامه «دنیا» نشریه تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران درج شده، میخوانید.

صفحه ۳

تعیین نخست وزیر و تشکیل دولت با جان دشواریهای روبرو شده که اگر همه مقامات رژیم جمهوری اسلامی حداکثر صداقت انقلابی و حسن مسئولیت خود را برای حل آن بکار نگیرند، وضع ناروشن و دشوار کنونی می تواند به یک بحران جدی سیاسی فرا رود.

دستهای آلوده ای در این جهت می گویند و با سیاست هرچه بدتر بهتر، آب به آسباب بحران می ریزند و در این لحظه حساس که باید تمام نیروی جامعه برای تیشبرد انقلاب و مقابله با دسسه های امپریالیسم و عمال آن تجهیز شود، به عقده کشایی و گروختی مشغولند.

ما نظیر این وضع را در آستانه ۲۸ مرداد شاهد بودیم. کسانی دور حکومت را گرفته بودند که از اتحاد نیروهای انقلابی و بالاتر از آن از خود انقلاب می ترسیدند. بجای طرح و حل مسائل اساسی انقلاب، به مسائل درجه دوم می پرداختند و دانسته و فهمیده حادثه می آفریدند و نظر مردم و دولت را از مقابله با امپریالیسم آمریکا و دربار پهلوی که مسئول توطئه بودند، منحرف می کردند. در آستانه ۲۸ مرداد باقی ها و زاهدی ها که روزی خود را در صف انقلاب بنیان کرده بودند دیگر افتخار شده و آشکارا در صحنه ضدانقلاب قرار داشتند، اما جای آنها در حکومت مصدق خالی نبود. عناصر نفاق افکن دیگری بودند که مدام به تشدید اختلاف کمک می کردند: کسانی را از مصدق، مصدق را از حزب توده، ایران جدا می کردند.

آن روز نتیجه کار این خرابکاران تفرقه افکن و نتیجه دودلی و سستی کسانی را که از انقلاب می ترسیدند دیدیم و ۲۵ سال تاوان آن را برداشتیم. ولی متأسفانه هنوز هم به اهمیت اتحاد نیروهای انقلابی و ضرورت قاطعیت انقلابی معترف نیستیم.

تصدما، توصیه اخلاقی و یا بیان حقایق معلوم نیست. ما مقامات مسئول و همه کسانی را که اعتقاد به انقلاب ایران دارند به مسئولیت دعوت می کنیم. اگر آنان امروز به این دعوت پاسخ ندهند فردا در برابر مردم پاسخگو خواهند بود.

به نظر ما دشواری کنونی، به هیچوجه غیر قابل حل نیست. راه حل دارد. و این راه حل یکی و فقط یکی است: طرح و حل مسئله در چارچوب انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران. زیرا مسئله در این چارچوب طرح شود حل خواهد شد و اگر در چارچوب دیگری طرح شود، ولو موقتا راه حلی پیدا کند، سرانجام گامی به سوی بحران شدیدتری خواهد بود.

تجربه ۱۸ ماهه پس از انقلاب مویذ این مدعاست. دولت موقت به تبعیت از ماهیت بورژوازی اش، پیشرفت انقلاب را تیز می کرد و در نتیجه دشواری پشت دشواری، بحران پشت بحران بوجود آورد. پس از دولت موقت، دولت «موقتتر» شورای انقلاب تقریبا با همان ابزار و بسا همان سیاست کارها را اداره کرد، در نتیجه آن، بحران کنونی پدید آمد. و اگر امروز به نوعی روی مسائل اساسی سربوش گذاشته شود و دولتی که ماهیتا نظیر دولت موقت باشد بوجود آید هر قدر هم که آن را دولت جاویدان بناقتند، عملا موقت خواهد بود و باری از دوش مردم بر نخواهد داشت و بر دشواریها خواهد افزود.

بقیه در صفحه ۲

ترفند دیگر امپریالیسم آمریکا

در روزهایی که امپریالیسم آمریکا با جدیت در کار تدارک توطئه دیگری علیه انقلاب ماست، دست به یک ترفند جدید سیاسی زده است. ۱۸۵ تن از اعضا کنگره آمریکا، اخیرا نامه ای خطاب به مجلس شورای اسلامی ایران ارسال داشته اند، و در این نامه با لحنی مودبانه هم نهدیدآمیز و هم آشتی جویانه «نگرانی عمیق» خود را از «انحطاط روابط فی مابین که نتیجه نكهداری اتباع آمریکایی به عنوان گروگان است» ابراز نموده و یادآور شده اند که: «در زمانی که ملل آزاد در زیر حملات نیروهای سلطه جو و توسعه طلبی که رو به رشد هستند، قرار دارند حل این موضوع جدی و همجانیه مورد نیاز دولت می باشد تا بتوان به خطرات خیلی مهمتری که صلح جهانی را تهدید می کند بپردازیم». علاوه بر این در این نامه آمده است که:

«از شما مصرا نه می خواهیم به عنوان اولین قدم در راه حل خطرات خیلی مهمتر و حساس تر که ملل جهان و دنیای کنونی با آن روبروست، برای موضوع گروگانها، مهمترین و بالاترین اولویت را قائل شوید».

بقیه در صفحه ۴

نامه

مردم

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۹۸
شنبه ۱۱ مرداد ۱۳۵۹، تک شماره ۱۵ ریال

روزه های خشم و درد سرسپردگان پکن و وازدگان پیر و مشی جبهه ملی از شکست توطئه های امپریالیسم آمریکا و گسترش دایره حامیان انقلاب

علی چنگیزی ها، محمد جعفری ها، غضنفر پورها و سید حسین نواب صفوی ها کسه جنون آمیز به حزب توده ایران و تحولات مثبت اخیر دنیروهای انقلابی می تازند، در واقع از شکست توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران، رنج می برند و میسوزند.

در بی تحولات مثبت و صحیحی که در نظریات سازمان چریکهای فدایی خلق و بخشی از رهبری حزب دموکرات کردستان ایران پدید آمد و نیروهای صدیق و انقلابی در درون این دو جریان با اتخاذ موضعی قاطع علیه انحرافات و گرایشهای ضدانقلابی نیروهای ناسالم، راه خود را از آن جدا ساخته و به سمتگیری قاطعی به سوی انقلاب ایران و در جهت حمایت از رهبری انقلاب روی آوردند، سیل دشنام و انتراعلیه آنها و به این بیانه علیه حزب توده ایران، نه فقط از نظریات آشکارا ضدانقلابی، بلکه حتی از نظریاتی که خود را مدافع جمهوری اسلامی ایران و انقلاب ایران می دانند، جاری شده است.

متأسفانه تا به حال اصولا دیده نشده است که یکی از این نظریات مدعی مدافعه از انقلاب ایران و مصالح آن، حتی کلمه ای به این تحول مثبت که در صورت تکامل خود، انقلاب ایران را به شدت تقویت کرده و می رود تا نیروهای بزرگی را به سود آن و علیه تحریکات و توطئه های امپریالیسم آمریکا، به خدمت گیرد، تهنیت گوید. مضمون کلیه این «تحلیل» ها چنان است که گویی بخش عمده سازمان چریکهای فدایی خلق و نیروهای بزرگی که در حزب دموکرات کردستان ایران به جانب پشتیبانی از انقلاب و رهبری انقلاب روی آورده اند، نه تنها به اقدام صحیحی دست نزده اند، بلکه اگر در مواضع نادرست پیشین باقی می ماندند و یا همچون نیروهای بجا مانده، جمهوری اسلامی ایران را «ضد خلقی» می خواندند و در جهت سرنگونی آن با توطئه های امپریالیسم آمریکا، بعث عراق و دیگر دشمنان سوگند خورده انقلاب ایران، هم آوا و هم بیان می شدند، «خدمت» بزرگتری انجام داده و بیشتر مورد «محبت» نویسندگان مقالات واقع می شدند.

در حقیقت نیز چنین است و تمامی این «تحلیل» ها از این موضع ضدانقلابی و مشکوک بومی خیزند که جدا کردن روشن مرزها با آنچه را که «انحطاط» نامیده شده سرود می شمردند و نیروهای سالم و انقلابی در سازمان چریکهای فدایی خلق و حزب دموکرات کردستان ایران را با زیر پا نهادن تمامی موازین اخلاقی و با توسل به رکیکترین دشنام ها مورد نفی و حمله قرار می دهند و با برخوردی به شدت عصبی و هیستریک، ناراضی شدید خود را از تقویت مواضع انقلاب ایران، اعلام می دارند.

ویژگی دیگر این «تحلیل» ها، دشنام های غلاظ و شداد علیه حزب توده ایران است و در واقع این حزب توده ایران و مشی انقلابی آنست که به بیانه «انحطاط» مورد حمله قرار می گیرد. بی تردید باید گفت که تنها ضدانقلاب و عمال امپریالیسم آمریکا و سرسپردگان پکن هستند که از پیروزی و گسترش نفوذ مشی و نظریات حزب توده ایران که بگیرترین مدافع جمهوری اسلامی ایران (نه فقط از لحاظ

بقیه در صفحه ۲

دکتر چمران پرسش کیهان

در پاسخ به در مورد جبرای جلو گیری از کودتاهای احتمالی آینده چه باید کرد؟ از جمله گفته است: «در ارتش زمینه کودتا وجود ندارد و نه در خارج از آن. عناصر غیر مؤمن در ارتش پس از پیروزی انقلاب، کنار گذاشته شدند!!» (کیهان، ۸ مرداد)

چند تن از مسئولین جمهوری اسلامی ایران، در این مورد گفته اند:

رئیس جمهوری:

«دشمنان ما شب و روز برای از پا در آوردن ما توطئه می بینند. هر روز من دهها گزارش می شنوم می خوانم دربار این توطئه ها» (از سخنرانی رئیس جمهوری در مسجد نصرت الحسین، «انقلاب اسلامی»، ۸ مرداد)

نماینده امام در پادگان نوژه:

«بنابراین آنچه من اطلاع دارم حدود پیش از ۳۰۰ نفر (از عوامل کودتا در ارتش) دستگیر شده اند. البته از این تعداد هنوز ضامان شناسایی نشده و روابط کا ملا کشف نشده برای ما... بعضی از عناصر را اینها فرار کرده اند، ولی اینها دست از توطئه بر نمی دارند... من احتمال می دهم که دست تیمسار ربی قری در این جریان درگیر نبوده و این کار در ارتش به تیمسار ربی قری منتهی می شود و تیمسار ربی قری خاشاک است و باید دستگیر بشود و بدینجا که مجازات بشود و حتی اگر خوب بررسی شود، شاید از زمان هم سردر بیاورند» (از مصاحبه اختتامی جمهوری اسلامی، ۹ مرداد با حجت الاسلام رضوانی، نماینده امام در پادگان نوژه)

امام جمعه اهواز:

«شب حادثه، رمزی از تهران آمده است و آن رمزا زبا لایودوبا دیدریشه آنرا پیدا کرد که بطور یکنواخت رخته کرده اند. آن رمزان بود که به ارتش دستور داده اند در آسمان ما هر چه هواپیما پرواز کند، هیچیک... حق ندارند در خدمت ما بیجا بگردند» (انقلاب اسلامی، ۸ مرداد، «وقایع اتفاقیه») لازم به تذکر است که توطئه گران دستگیر شده در ارتش که به بیش از ۶۰۰ تن بالغ می شوند، طبق اطلاعات موثق، تنها بخشی از کل توطئه گران هستند و هنوز بخش قابل توجهی از چنان بیگانه توطئه گران در ارتش، کشف نشده اند و اینان همچنان که توطئه برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، مشغولند.

حکومت «اشخاص متفرقه»

ادامه دارد

خاطر داده است که اعمالشان بدون مجازات خواهد ماند؟

ما از دادستانی کل انقلاب و از دادستانی کل کشور می خواهیم که به این پرسش ها پاسخ دهند. آیا در کشور ما غیر از احزابی که رسماً موجودیت خود را اعلام کرده اند احزاب دیگری با رهبری ویرانه و سازمان مخفی وجود دارند؟ آیا برنامهم، ایدئولوژی، اقدامات و اعمال این سازمانها - از جمله سازمان باصلاح «جوانان جنوب» - بر مقامات مسئول دولتی و مقامات قضایی و انتظامی کشور معلوم است؟ آیا رهبران آنان شناخته شده اند؟ اگر آری چرا آنها را به مردم معرفی نمی کنید و اگر نه تکلیف مردم چیست؟

ما به خود این با صلاح سازمانها هم مراجعه می کنیم. و از آنها می پرسیم که اگر شما واقعا مسلمان هستید، در جمهوری اسلامی خودتان را از چه کسی بنیان می کنید؟ چرا برنامه خودتان را از ابتدا تا انتها به مردم نمی گوید؟ چرا رهبران و تصمیم گیرندگان خودتان را معرفی نمی کنید؟ چرا آدرس دفتر و کلوستان را به اطلاع مردم نمی رسانید که اگر کسی خواست عضو سازمان جوانان جنوب... بشود به آنها مراجعه کند؟ راستی شما چگونه عضوگیری می کنید؟ برای سازمان جوانان شرقی، چه نقشه ای دارید؟ بطور می بینید که اقدامات شما یک روز با حاد شده و سپس ورزیدگی با توطئه کودتای همزمان می شود؟ فقط تصادف؟! با ورنه ما می دانیم که حضرات به این پرسشها پاسخ نخواهند داد. آنان به قانون جنگل معتقدند و فقط در جنگل می توانند زندگی کنند.

اما از مقامات مسئول دولت جمهوری اسلامی جدا طلب می کنیم که به این وضع پایان دهند. و به مردم توضیح دهند که حکومت دست کسی است؟ «اشخاص متفرقه» و یا مقامات قانونی جمهوری اسلامی ایران؟

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

روزه‌های خشم...

نظری، بلکه مهمتر از آن در عمل است، ناراضیند و با این شیوه دیوانواران بداند حمله می‌کنند. تنها ضدانقلاب و عناصر فاسد و واژه و مزدور می‌توانند از گسترش دایره نیروهای حامی و مدافع انقلاب ایران، ایستاد به وحشت بیافتند و ایستاد این روند را به باد حمله گیرند.

روشن این "تحلیل" ها از اختلافات ایدئولوژیک بر نمی‌خیزد. ما بین ایدئولوژی سازمان جریکهای فدائی خلق، حزب دموکرات کردستان ایران (بیرو کنگرسه) چهارم و ایدئولوژی نشریات مورد بحث، هم‌اکنون نیز به همان اندازه اختلاف وجود دارد که در گذشته وجود داشت، اما تفاوت کیفی مبنی سیاسی کنونی آنها با گذشته، آنتسکبه اکنون آنها برخلاف گذشته با ستگیری قاطعی بسوی انقلاب منوجه شده‌اند و برعکس "تحلیل" ها، با سمدگیری قاطعی به سوی ردیله‌ترین تهیت‌ها و دشنام‌ها و خشم و کینه‌های بی‌سابقه و دیوانوار، گرایش یافته‌اند.

این امر نه تصادفی است و نه غیرقابل پیش‌بینی، بلکه انعکاس مستقیم عکس‌العمل محافل مشکوک است که از گسترش و تعمیق انقلاب ایران به شدت ناراضیند و بدرستی این تحولات را به سود انقلاب ارزیابی می‌کنند. کوشش نویسندگان این "تحلیل" های ضدانقلابی، در این مضمون خلاصه می‌شود که جریکها و دموکراتهای صریح و انقلابی را از جهت‌گیری به سود انقلاب ایران برسانند و با ایجاد یک موج عظیم روانی علیه آنها، بی‌شوری نسبت این نیروها را کند سازند و بر نشتن تخریب آنها و دیگر نیروهای صریح مذهبی که علل تحولات اخیر را بدرستی در نمی‌یابند، بی‌غزایند.

آنها پیشرفت انقلاب ایران را که موجب انشعابات اخیر گردید، کنش می‌کنند و وانمود می‌سازند که این تنها توطئه‌های از جانب حزب توده ایران و "شوری" بوده‌است تا این سازمانها را ببلند. آنها نقش قاطع و بی‌گهر رهبری انقلاب را در رهبری روند ضدامپریالیستی و خلقی انقلاب ایران که موجب هشیار شدن نیروهای صریح انقلابی گردید، پنهان می‌سازند و بدین طریق در واقع تارمایی شدید خود را از تقویت مواضع این رهبری که به موجب استواری و بیگیری انقلابی خویش سزاوار آن بوده است، اعلام می‌کنند. یک حزب توده ایران در تسریع این روند نقش برجسته‌ای داشته است که بدان می‌باید، ولی تنها فرضین، گویانداستان و ضدانقلابیون می‌توانند مابین مشی حزب توده ایران و مشی انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران، خط جدایی بکشند و بی‌شرفتی مشی انقلاب ایران را به این علت که صحت مشی حزب توده ایران را به نبوت می‌رساند، نفی کنند و آن را مورد حمله قرار دهند.

چنانکه گفتیم شیوه فرضانه برخورد با تحولات اخیر در درون نیروهای جب، از موضعی مشکوک و ضدانقلابی بر خاسته است. حقایق نشان می‌دهد که این گفته‌ها بی‌سابقه و در واقع رهبری این هجوم هیستریک علیه تحولات مثبت اخیر، برعهده ماؤتسیت‌ها، عناصر وابسته به گروهک ضد انقلابی "رنجران" و عناصر واژه و مشکوک بیروخط جمیه طی که متاسفانه حتی در نشریات مدعی بیرونی از خط‌امام نیز رسوخ کرده‌اند، قرار دارد.

ماؤتسیت‌ها، این متحدان امپریالیسم آمریکا که با تمام توان علیه انقلاب ایران و تعمیق جنبه ضدامپریالیستی و خلقی آن توطئه می‌کنند و از گسترش این روند "رنج" می‌برند، تحولات مثبت در درون نیروهای جب را در نشریات خویش با خشم و کین آنتشین استقبال کردند و متاسفانه عناصری از آنها که در نشریات دیگر نفوذ کرده‌اند، با استفاده از موضع سازگارانه برخی از گردانندگان این نشریات و یا با سوءاستفاده از موضع ضد کمونیستی برخی نیروهای آنان‌اه ولی صریح مذهبی، موضع ضدانقلابی خود را به درون آنها نیز بردند و آنها را به تریبون بخش این نظریات بدل کردند.

مقاله‌ای که در گیجان، چندی پس از انشعاب در سازمان جریکهای فدائی خلق منتشر شد و ما نشان دادیم که نه فقط از نظر مضمون، بلکه حتی از نظر جمله بندی یا موضع "رنجر" در این مورد، مشابهت دارد، مقاله‌ای که سپس عینا به صفحات "رنجر" نیز منتقل گردید، بیانگر نفوذ این نظریات ضدانقلابی و مخرب به درون نشریات کثیر-الانتشار بود.

اطلاعات نیز در تاریخ ۲ مرداد، مقاله‌ای با همان مضمون انتشار داد که به سرعت در "رنجر" تجدید چاپ شد. ما در پاسخ بدان، علیرغم آنکه آن زمان از هویت نویسنده اطلاع نداشتیم، اعلام کردیم که این فرد مجهول‌الیه برای ما لایب "علوم‌الحال" برای سواری نویسندگان اطلاعات "هنوز با معیارهای ساواکی می‌اندیشد" و در آرزوی "سلطه" مجدد امپریالیسم و ساواک و سیا بر می‌برد. ما در مورد ماهیت "چنگیز علوی" و امثال وی نوشتیم که "در فضای آلوده رژیم پهلوی ولج‌زار ساواک، انواع این موجودات پرورده شده‌اند که هنوز هم در کافیا و درزهای خامه به نوعی می‌پولند و تا فرصتی به دست آید سر از سوراخ بدر می‌کنند."

ما در نامه "مردم"، شماره ۲۹۳، به "شورای نویسندگان اطلاعات"، که "پس از گسستن از دستگاه طاغوت تحول مثبتی داشته است، شدیداً اعتراض کردیم و نوشتیم "که نمی‌توانیم باور کنیم که آنان به اتفاق آراء اجازه چاپ چنین مطالبی را داده باشند". حدس ما درست بود. جانور "خزنده" ای که نام خود را چنگیز علوی نهاده بود، در واقع یکی از همان کرمهای لجنزار متعفن ماؤتسیت به نام علی چنگیزی است که هم اکنون نیز از اعضای تحریریه "عدالت"، از جمله ورق‌بازهای وابسته به گروهک ضدانقلابی "رنجران" است. این شخص قبل از تعطیل نشریه ضدانقلابی "پیغام‌مروغ"، همراه دیگر هیالکهای ماؤتسیت خود در آن بهزه‌رهای علیه انقلاب ایران مشغول بود و در دوران سردبیری شمس آل‌احمد به روزنامه اطلاعات خزیده است. ما انتظار داریم که گردانندگان روزنامه اطلاعات که می‌کوشند تاریخ تیره ۵۰ سال گذشته روزنامه را جبران کنند و هم‌اکنون گروهی از عناصر صریح و متعصب را در اختیار خود دارند، هرچه سریع‌تر این آلودگی را از دامان خود، پاک سازند.

و اما فردی به نام سید حسین نواب صفوی نیز در شماره

۵ مرداد روزنامه "انقلاب اسلامی"، در مقاله‌ای به حجم سه‌چهارم صفحه، به نسق و روش مذکور و زیر بهانه "تحلیل انشعاب"، به لجن‌پراکنی علیه حزب توده ایران پرداخته است تا شاید سوزش درد رسوایی و شکست را در خود و هم فکزان ضدانقلابی خود، تسکین دهد.

این مقاله که "حزب توده و خط‌امام" نام دارد، زیر لوای حمایت از رئیس جمهور و بدون رعایت هیچ گونه موازین اخلاقی، اوباشانه، آنچنان دورغیایی علیه حزب توده ایران به هم بافته است و آنچنان دشنام‌های خشم-آگین نثار حزب توده ایران کرده است که اکنون نظیر آنها تنها از بختیار و بلندگوهای ضدانقلاب که از شکست‌گودنای اخیر بشدت بخشم آمده‌اند، شنیده می‌شود.

آقای نواب صفوی، مقاله خود را با بهانه "مفهوم" ساختن "انشعابیات اخیر در درون گروه‌ها و نیروهای" جب" آغاز می‌کند و سپس می‌نویسد:

"بسیاری، این حرکت‌ها را نشانه بر سر عقل آمدن این گروه‌ها می‌پندارند... اما" او می‌عقیده دیگری دارد. او معتقد است که احزاب جب در کشور ما دو راه بیشتر در مقابل خود نمدارند، نخست راهی است که "سازمان‌های بیگار، کومه، چریک-های فدایی اسرف دهقانی و اخیراً اقلیت سازمان جریکهای فدایی خلق" رفته‌اند. وی مشخصه مشی این گروه‌ها را "دکنا‌تسم و وجود فکری" و "برداشتها و ارزیابی‌های نادرست از اوضاع جامعه و روند جریانات، ماهیت دولت، نحوه عملکرد امپریالیسم و..." اعلام می‌کند و می‌نویسد که در پیش‌گرفتن این مشی، این نیروها را "از انحاء یک مشی سیاسی باز می‌دارد".

او در ادامه درست این استنتاج خود می‌نویسد: "ماهیه شکفتی نیست اگر این احزاب چندنفره، نادانسته و در مواردی دانسته، جاده‌ها فکزان ضدانقلاب شوند و کسر خدمت به سلطه‌گران بر بندند".

اما نواب صفوی رشته منطقی این استدلالات صحیح و محکوم‌کننده را در همین جا می‌برد و به مبتدل‌ترین شکل، رگبار دشنام را علیه جریکهای اکثریت و به‌طور عمده علیه حزب توده ایران می‌گشاید!

او که معتقد است جریکهای اقلیت، "برداشتها و ارزیابی‌های نادرست از اوضاع جامعه"، "ماهیت دولت" و "نحوه" عملکرد امپریالیسم دارند و فاقد "یک مشی سالم سیاسی" هستند، او که تصریح می‌کند که آنان "جاده صافکی ضدانقلاب" و "سلطه‌گران" هستند، حتی یک‌کلمه از اینکه "جریکهای اکثریت" که درست در قبال همین انحرافات موضع گرفته‌اند و به جانب انقلاب و رهبری انقلاب گرایش یافته‌اند و از این مشی ضدانقلابی بریده‌اند، اظهار خسود می‌کنند، بکس مقاله سراپا دشنام وی علیه حزب توده ایران و بالنتیجه علیه جریکهای اکثریت، درست به تقویت مضمون موضع ضدانقلابی همت گماشته‌است.

راه دومی که سید حسین نواب صفوی برای گروه‌های جب قائل می‌شود، راه "حزب توده" است. وی می‌نویسد: "به میزانی که گروه‌ها و اجزات "جب" بلوغ سیاسی می‌یابند و فرمول‌های کهنه را در برخورد با واقعیات سرتخت و خشک اجتناعی و حل مضطرب‌سیاسی خود، ناتوان می‌بینند، به همان میزان تمایل آنان به پذیرفتن حمایت

سید حسین نواب صفوی، درس خود را از چه کسانی آموخته است؟

رادیو بختیار (۶ مرداد) ... (موجب حیرت و ... تسمخر است) ... اسلام و مارکسیسم دو چیز متضاد و متعارضند و جمع‌زدین را منطقی قبول نمی‌کنند. چگونه ممکن است کسی هم اسلامی با سدهم مارکسیست ... (اما ما) مسلمان شدن مارکسیست‌ها را هم دیدیم! ... امروزه تشنه حزبی که مد در صد حکومت خمینی را تأیید می‌کنند ... حزب توده است.

نواب صفوی: در حقیقت هنگامی که حزبی چون حزب توده با تفکر مارکسیستی و جهان بینی متریالیستی از پذیرفتن رهبری امام و در خط او بودن سخن می‌گوید، جریان بیشتر به شوخی شباهت دارد.

رادیو بختیار: آنها که الفبای سیاست را می‌شناسند، خوب می‌دانند که نقش مزورانه حزب توده در آشفته‌بازار ایران امروز چیست؟ آنها وصیت نامه بطرکبیر را از یاد نبرده‌اند که به جا نشینان تش‌توسیه می‌کنند... به آب های گرم خلیج فارس و اقیانوس هند دست می‌بندند.

نواب صفوی: راه حزب توده، یعنی دنباله‌روی و اطاعت کورکورانه از روسیه ... روسیه ... بمنظور توسعه مرزهای خویش و دست‌یابی به آبهای گرم اقیانوس هند و تقویت استراتژیکی خود و جلوگیری زسرایت انقلاب ایران به جمهوریهای آسیای روسیه افغانستان را اشغال کرده است.

رادیو بختیار: حزب توده ... در طول ۴۰ سال زندگی پنهان و آشکار خود، بهترین جوانان و شریف ترین آرمانهای ایرانی را بریاری و بی‌انداختن ایران یعنی برانداختن ایران و بی‌انداختن ایران به دامن بیگانه فدا کرده است.

نواب صفوی: حزب کهنه‌کار توده - قهرمان کارشکنی و خیانت (است) سیاستهای جریانه‌های "جب" ایران، توسط حزب توده و بطریق اولی بخش ایرانی دایره فتالیتهای خارجی حزب کمونیست شوروی تدوین و تنظیم خواهد شد.

ایدئولوژیک "حزب مادر" ... افزایش می‌یابد. اما به ادعای وی راه حزب توده ایران (که خطرناک‌تر است و به همین دلیل باید علیه آن نزدیک به یک صفحها از دشنام بز کرد)، "حمایت لفظی از جمهوری اسلامی" و "اشغال به انواع و اقسام کارکنی‌ها" "درباره آزادیهای قانونی" و توسل به هرگونه "تخریب برای تنگ نمودن عرصه بر جمهوری اسلامی" است. او همچنین حزب توده ایران را "قهرمان کارشکنی و خیانت" می‌نامد و مدعی می‌شود که حزب توده ایران "به کوبیدن و تضعیف بنی‌صدر دل‌بسته" است و سرانجام ادعا می‌کند که "آقای گیانوری در مصاحبه‌ای با لوموند و پس از انتخاب بنی‌صدر به ریاست جمهوری می‌گوید: ما بنی‌صدر را سرنگون خواهیم کرد!"

در مورد ادعای "حمایت لفظی" حزب توده ایران از جمهوری اسلامی، آقای نواب صفوی یا واقعیت را می‌داند و وقیحانه دروغ می‌گوید و یا آنقدر از جریاناتی که پیش روی او می‌گذرد بی‌خبر است که نمی‌داند دروغهای بزرگ وی حتی کودکان را نیز نمی‌تواند مجاب کند. در واقع اگر آقای صفوی اندکی می‌دانست و یا کمتر از این به ناپیانی ناسی از غرض دچار بود، از اینکه در همان موضعی قرار بگیرد که بختیار به علت خشمش از "حمایت عملی" حزب توده ایران از جمهوری اسلامی، در آن موضع قرار دارد، احتراز می‌کرد و از ذکر همان دشنام‌هایی که شاه و ساواک و بختیار نثار حزب توده ایران می‌کردند (و می‌کنند)، دوری می‌جست.

به نظر ما حتی اگر آقای نواب صفوی قبل از اظهار چنین دروغی به آقای بنی‌صدر مراجعه می‌کرد و راجع به "حمایت لفظی" از وی نظر می‌خواست، هیچ‌گاه چنین کلماتی را بر کاغذ رقم نمی‌زد، این چنین موازین اخلاقی را زیر پا نمی‌گذاشت و مفت قلم را لگه‌دار نمی‌کرد.

در واقع آن کسانی علیه جمهوری اسلامی ایران "کار شکنی" می‌کنند و از هیچ‌گونه تخریبی برای تنگ‌نمودن عرصه بر جمهوری اسلامی احتراز نمی‌کنند، که بجای کوشش برای تأمین اتحاد و ایجاد تقاهم میان نیروها، با توسل به زشت‌ترین دروغها، تفرقه می‌پراکنند و حزبی را که "حمایت عملی" و صادقانه، خویش را از جمهوری اسلامی ایران به انبثات رسانیده است و شخصاً رئیس جمهور بآن واقف است، با قلب جورانه حقایق، به تخریب و کارشکنی متهم می‌سازند.

دروغ دیگر نواب صفوی در اینکه حزب توده ایران به "کوبیدن و تضعیف بنی‌صدر دل‌بسته" است و اینکه دبیر اول حزب ما در مصاحبه با لوموند گفته است "ما بنی‌صدر را سرنگون خواهیم کرد"، سرنابا کذب محض است و ساخته و پرداخته ذهن ایشان است. این دروغ نمایان نیز از دل سوخته یک عنصر واژه و ورشکسته برخاسته است که انقلاب علیرغم تمایل او به پیش می‌رود.

در واقع عرصه نه بر جمهوری اسلامی ایران، بلکه بر امثال نواب صفوی‌ها تنگ شده است. این سربزدگان بکن و دشمنان انقلاب ایران که گسترش انقلاب و نیروهای مدافع آن را "تنگ‌شدن عرصه" لقب می‌دهند و شکست توطئه‌های بی‌دری امپریالیسم آمریکا را "تخریب" می‌نامند، در واقع دل بر آرزوی بلید خود می‌سوزانند و در قبال آن به فغان نشسته‌اند. بی‌پایه نیست که نواب صفوی، درست در بی شکست توطئه کودنای آفریقای، چنین علیه حزب توده ایران قلم‌فرسایی می‌کند و حتی کلمات علیه آمریکا سخن نمی‌گوید. در "تخریب" توطئه آمریکا علیه ایران حزب ما نقش شایسته داشته و همین امر برای او تحمل‌ناپذیر است. در مورد مرزبندی‌های روشی یا "انشعابات" اخیر که صف نیروهای راستین جب را ضایع می‌کند و علیرغم زوزه‌های نواب صفوی‌ها به تقویت انقلاب ایران منجر شده‌است، بدون تردید حزب توده ایران نیز به مابه جز لاینت مشی ضدامپریالیستی و خلقی این انقلاب، اعتبار و جنبیت خاصی می‌یابد. این واقعیت درخشان، چشمان ناپیستی جوجه‌های بیرو مشی ورشکسته "جبهه‌ملی" را که با تمام قوا برای ترمز کردن این انقلاب "زور" می‌زنند، بشدت بدر آزرده و به‌همین دلیل این چنین زوزه‌های دردناک آنها را برانگیخته است.

نواب صفوی می‌نویسد: "در حقیقت هنگامی که حزبی چون حزب توده ... از پذیرفتن رهبری امام و در خط او بودن، سخن می‌گوید، جریان بیشتر به‌شوخی شباهت دارد."

اما در واقع آنچه که بیشتر به شوخی شباهت، ادعای نواب صفوی‌ها و انواع جوجه جبهه‌ملی‌ها و سربزدگان بکن است که خود را زیر لوای "اسلام"، "انقلاب اسلامی" و "آیه قران" پنهان می‌سازند، ولی در عمل با زیرسرا گذاردن اخلاق و با توسل به سلاح دشنام، افترا و دروغ، علیه تحکیم موفقیت انقلاب و رهبری انقلاب، موضع می‌گیرند و گرایش نیروهای صریح و انقلابی را به‌جانب حمایت قاطعانه از انقلاب، مورد حمله قرار می‌دهند. آنچه به شوخی بیشتر شبیه است، حمایت سالوسان و ریاکارانی چون نواب صفوی‌ها از اسلام امام خمینی و خط‌امام است نه موضعگیری صادقانه حزب توده ایران که بدون کتمان اعتقادات ایدئولوژیک خود، وجه عمده خطر رهبری انقلاب یعنی وجه ضدامپریالیستی و خلقی و وحدت‌طلبانه آن را می‌شناسد، می‌شناسد و با تمام قوا به حمایت نظری و عملی از آن همت گماشته است.

موضعگیری هاهنگ ماؤتسیت‌های ضدانقلابی و توطئه‌گر با جوجه جبهه‌ملی‌های واژه علیه اقبال روزافزون جوانان صریح و ضدامپریالیست به جانب انقلاب ایران و پشتیبانی از رهبری آن، کاملاً قابل درک است. آنها در این روند شادی‌بخش، آرزوهای بلید خود را بریاد می‌بینند و به همین دلیل ایشان به زوزه کشیدن افتاده‌اند.

انقلاب ایران در هرگامی که به پیش برمی‌دارد، هم مشت سربزدگان بکن را که در پیوند با امپریالیسم آمریکا است می‌گشاید و هم جبهه متعفن سازش و خیانت‌را آزریر تقاب مگلاهای واژه "جبهه" ملی، بیرون مسی‌پیزد و تمهیدات این هر دو را برای کشاندن انقلاب ایران به مسیر مورد نظر امپریالیسم آمریکا، بی‌اثر می‌سازد.

آنچه قابل‌درک نیست، مسامحه نیروهای صدیقی است که علیرغم ماهیت آشکارا ضدانقلابی این عناصر، بدانها امکان می‌دهند تا زیر بوش "اسلام"، "علیه انقلاب ایران، رهبری انقلاب و نیروهای صریح مدافع انقلاب و رهبری آن، به فحاشی و لجن‌پراکنی بپردازند.

یک ساواکی، سرپرست نشریه

محرمانه خبرگزاری پارس بود

اسامی ۱۷ تن از اعضاء و منابع ساواک در خبرگزاری پارس، اعلام گردید و معلوم شد که یکی از اعضای ساواک، سرپرست بولتن ویژه این خبرگزاری بوده است.

میدانید مفهوم آن چیست؟ مفهوم این خبرآنست که یک ساواکی مسئول نشریه‌ای بوده است که ویژه مسئولین جمهوری اسلامی ایران تهیه می‌شده و مهمترین اخبار و رویدادها را هر روز به نظر آنها میرساند. مفهوم صریح تر این خبر، اینست که دستگاه جاسوسی امپریالیسم آمریکا، برای مدت ۱۸ ماه پس از انقلاب، امکان داشته است تا هر روز در اندیشه، مقامات جمهوری اسلامی ایران زهر بریزد و آنها را تدریجاً مسموم سازد و اخبار و اطلاعات را آنطور که میل او بوده است به نظر مسئولان اموری برساند.

مفهوم دیگر این خبر آنست که امپریالیسم آمریکا آنچنان از هرماهی در مقامات محاسن جمهوری اسلامی ایران در اختیار داشته است که نه تنها به مدت ۱۸ ماه عوامل خود را حتی در دستگاه‌های نظراساز حفظ کند، بلکه یک جاسوس خود را به یکی از حساس ترین پست‌های تنها خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، بگمارد. چه کسانی، ۱۸ ماه از مردم ایسران و رهبران جمهوری اسلامی ایران پنهان ساختند که مهمترین اخبار ایران و جهان از دریاچه چشم سیا و درجهت اهداف کشف آن در اختیار آنان قرار گرفته است؟ تمام آگاهان نه از فضای چه کسانی ۱۸ ماه تمام نگه‌دارند؟ لیست ساواکی‌ها ما منت منت کردید؟

اقدام مثبت فضای اسامی ساواکی‌ها و منابع ساواک در خبرگزاری پارس، همچون افشاگریهای مشابه در مورد این مزدوران، موردتأیید ماست، اما انقلاب مامیلتبند که عا ملان ساواک با قاطعیت بیشتر افساء و معرفی و تمقیه‌گردند و از مهمت‌تر آن عواملی که در پست‌های حساس جا گرفته و جنبین حیثیت و سرنوشت انقلاب ایران را به مخاطره می‌اندازند و عوامل امپریالیسم آمریکا را در مکان‌های حساس ابقاء و حفظ می‌کنند، شناسایی، معرفی و محاکمه شوند.

بقیه از صفحه اول

بحران دولتی تهران...

ماهیه کمال تاسف است که رهنمودهای صریح و روشن امام در مورد دولت آینده تقریباً بی‌مخوشی سپرده شده و هیچ یک از طرفین دعوا از آن بهره نمی‌گیرند. عسدهای هستند که حتی در حرف هم شده به رهنمودهای امام استناد نمی‌کنند و از آن می‌گریزند. در حالی که راه حل واقعی دشواریهای کنونی درست در همین رهنمودها ارائه شده است.

نکته اساسی که در رهنمودهای امام وجود دارد و رکن اصلی آنست، اینست که مردم انقلابی عمل کردند اما دولت‌های پس از انقلاب انقلابی عمل نکردند. دشواری از اینجا پدید آمد و بنابراین کلید حل مشکلات و رفع بحران دولتی به در اینست که یک دولت انقلابی و جوان بسرکار آید. دولتی که دستگاه طاغوت را بطور کامل درهم شکند. دستگاه انقلابی بوجود آورد، برنامه انقلابی ارائه دهد و آن را به شیوه انقلابی اجرا کند.

متاسفانه بسیاری از مقامات مسئول که دست‌اندر کار رفع بحران و گزینش نخست‌وزیر بدست همیمن روح رهنمودهای امام را به کناری می‌نهند. برخی از مطبوعات ضوابطی برای تعیین نخست‌وزیر آینده ارائه می‌دهند که در آن به انقلابی بودن اشاره‌ای هم نشده و اگرچه نام امام آمده، ذکری از مهمترین رهنمود او - انقلابی بودن - در میان نیست.

طبیعی است که با این شیوه هیچ بحرانی را نمی‌توان حل کرد و فقط از بحران به بحران دیگری می‌توان رفت. از چند روز پیش صحبت از آن‌است که هیئتی مرکب از نمایندگان مجلس و رئیس‌جمهور، با هم درباره نخست‌وزیر آینده مذاکره کنند و به توافق برسند. این کوشش بجای خود سودمند است. چرا که در لحظه کنونی باید روی تقاهم انقلابی تأکید کرد و باید که همه نیروها را برای دفاع از انقلاب و بیسپردن آن گرد آورد. بنابراین هر گونه تلاش برای یافتن راه‌های همکاری و تقاهم سودمند است ولی کافی نیست. دشواری کنونی وقتی از ریشه حل خواهد شد که بتوان روی یک دولت انقلابی توافق کرد.

به‌نظر ما سودمند بود که قبل از هر چیز روی ضوابط توافق شود، اصول اساسی برنامه دولت آینده تعیین شود و کسانی که آماده‌اند و قدرت آن را دارند که این برنامه را پیاده کنند برای نخست‌وزیری و مقامات دیگر دولتی انتخاب شوند.

فراوانش کردن رهنمود امام درباره دولت آینده، فرار از اظهار نظر قطعی و صریح نسبت به اعمال ضدانقلابی دولت موقت و تردید کردن سر آن، راهی به سوی حل بحران نیست. خودکامگی، فراموش کردن آزادی مردم، خودبینی و تصور اینکه همه کارها از دست فلان گروه سیاسی ساخته است و احتیاجی به اتفاق و اتحاد همه نیروها نیست، دردی را دوا نمی‌کند. در بطن این طرز تفکر های خودمحور، بحران‌هایی شدیدتر از بحران کنونی خواهد پیاده است.

بباید در این لحظه حساس، احساس مسئولیت کنیم. بباید همه حرف‌ها را به مردم بزینم! و برنامه خود را صریح و روشن به مردم ارائه دهیم.

ما به بخش‌های دیگر نوشته‌های سید حسین نواب صفوی پاسخ نمی‌گوییم و او را به پاسخ نامه "مردم"، به محمد جعفری "همکار" دیگر وی در روزنامه مزبور حواله می‌دهیم.

نامه «مردم» فردا بمناسبت ۲۱ رمضان منتشر نمی شود

اعلامیه سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران:

به یاری برادران دانشجو در زندان های آمریکای جنایتکار بشتابیم!

تصدیدجو فتنه و اختناق علیه دانشجویان مبارز ایرانی در آمریکا و سرکوب فاشیستی تظاهرات آنان توسط پلیس آمریکا، با ردیگر ما هیت کثیف و ضد بشری امپریالیسم آمریکای عیان تر ساخت.

پلیس آمریکا با چنان سبیتی به سرکوب، ضرب و شتم و دستگیری تظاهرکنندگان انقلابی ایران پرداخت که پس از سرکوب تظاهرات خرد جنگ ویتنام، بی سابقه بوده است.

ایران پر از جوانان و دانشجویان مبارز است که با وجود دستگیریهای اجباری و محاصره ها، با مبارزه و شجاعت و با استفاده از روش های مبارزانه و با استفاده از روش های مبارزانه و با استفاده از روش های مبارزانه...

ایران پر از جوانان و دانشجویان مبارز است که با وجود دستگیریهای اجباری و محاصره ها، با مبارزه و شجاعت و با استفاده از روش های مبارزانه...

ایران پر از جوانان و دانشجویان مبارز است که با وجود دستگیریهای اجباری و محاصره ها، با مبارزه و شجاعت و با استفاده از روش های مبارزانه...

ایران پر از جوانان و دانشجویان مبارز است که با وجود دستگیریهای اجباری و محاصره ها، با مبارزه و شجاعت و با استفاده از روش های مبارزانه...

ایران پر از جوانان و دانشجویان مبارز است که با وجود دستگیریهای اجباری و محاصره ها، با مبارزه و شجاعت و با استفاده از روش های مبارزانه...

ایران پر از جوانان و دانشجویان مبارز است که با وجود دستگیریهای اجباری و محاصره ها، با مبارزه و شجاعت و با استفاده از روش های مبارزانه...

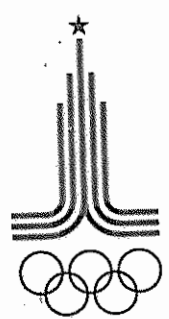
ایران پر از جوانان و دانشجویان مبارز است که با وجود دستگیریهای اجباری و محاصره ها، با مبارزه و شجاعت و با استفاده از روش های مبارزانه...

ایران پر از جوانان و دانشجویان مبارز است که با وجود دستگیریهای اجباری و محاصره ها، با مبارزه و شجاعت و با استفاده از روش های مبارزانه...

ایران پر از جوانان و دانشجویان مبارز است که با وجود دستگیریهای اجباری و محاصره ها، با مبارزه و شجاعت و با استفاده از روش های مبارزانه...

ایران پر از جوانان و دانشجویان مبارز است که با وجود دستگیریهای اجباری و محاصره ها، با مبارزه و شجاعت و با استفاده از روش های مبارزانه...

ایران پر از جوانان و دانشجویان مبارز است که با وجود دستگیریهای اجباری و محاصره ها، با مبارزه و شجاعت و با استفاده از روش های مبارزانه...



روح همبستگی بین المللی در میادین المپیک مسکو

اتحاد جماهیر شوروی در مسابقات المپیک آینده شرکت می کند. هنگام حضور با سرعت در استادیوم لنین مردم حاضرین با خاستند و یکصد فریاد زدند: زنده باد فلسطین!

دومبا همان بازی جمعی و شوت های خطا نا پذیر که شوروی نیرومند را مغلوب کرده بود، ایتالیا را هم با زدن ۸۶ گل در برابر ۷۷ گل شکست داد. ایتالیا در این مسابقات دوم و شوروی سوم شد.

مسابقات هندبال هم به پایان رسید. در مسابقات هندبال زنان شوروی اول شدند و به دنبال آن یوگسلاوی و جمهوری دموکراتیک آلمان قرار گرفتند.

در فینال هندبال مردان آلمان دمکراتیک با یک امتیاز اختلاف شوروی را شکست داد و قهرمان المپیک شد. در این بازی شوروی دوم و رومانی سوم شدند.

در کشتی آزاد که جای قهرمانان ارزنده ایران در آن خالیست، سرنوشت این وزن ها معلوم شده است: ۶۲ کیلو: شوروی اول، بلغارستان دوم، یونان سوم.

۴۸ کیلو: ایتالیا اول، جمهوری دمکراتیک خلق کره دوم، شوروی سوم. ۹۰ کیلو: شوروی اول، آلمان دمکراتیک دوم، لهستان سوم.

۱۰۰ کیلو: شوروی اول، بلغارستان دوم، چکسلواکی سوم.

اولین مراسم اختتام سیزدهمین روز بازی های المپیک با اولین مراسم اختتام به پایان رسید. در این روزها حضور لیدر کیلانی رئیس کمیته بین المللی المپیک، مسابقات قایق رانی که در تالین برگزار شده بود طی مراسم باشکوهی با بیان یافت.

لیدر کیلانی در این مراسم که رئیس کمیته بین المللی قایق رانی و رئیس کمیته مسابقات قایق رانی شوروی هم در آن شرکت داشتند، ضمن نقلی تاکید کرد که مسابقات قایق رانی المپیک مسکو زیباترین ها بوده است.

جدول مدالها تا پایان روز سیزدهم (به ترتیب مجموع مدال)

نام کشور	طلا	نقره	برنز
۱. شوروی	۶۲	۵۴	۲۲
۲. آلمان دمکراتیک	۳۷	۳۰	۲۳
۳. بلغارستان	۵	۱۰	۱۳
۴. مجارستان	۶	۸	۹
۵. لهستان	۱	۱۰	۹
۶. رومانی	۵	۴	۷
۷. انگلستان	۴	۷	۴

در حاشیه...

استقبال بی نظیر از سایر عرفات با سر عرفات رئیس جبهه آزادیبخش فلسطین دیروز در مسابقه فوتبال آلمان دمکراتیک و شوروی حضور یافت. با اعلام حضور او در استادیوم بیشتر از صد هزار تماشاچی که در همه مسابقات ورزشی، تیم های کشورهای جهان سوم را به اندازه تیم خود شوروی تشویق می کنند، بیباک شدند و با فریادهای زنده باد فلسطین، زنده باد عرفات از استقبال کردند.

با تقسیم ۱۲۲ مدال از مدالهای ۲۳ رشته ورزشی که قهرمانان ۸۵ کشور جهان برای کسب آن رقابت می کنند، المپیک مسکو به روزهای پایان می رسد.

با پایان گرفتن مسابقات والیبالی زنان، هندبال و بسکتبال در روزهای زدهم، هفتمادهم و نهمادهم مسابقات، قهرمانان کشورهای دریا دزدند: کشتی، دوومیدانی، اسب دوانی، تیراندازی، جودو، شمشیر بازی و قایق رانی ادا می دهد.

تاکنون قهرمانان ۱۱ کشور دنیا مدالهای قهرمانی المپیک مسکو را بدست آورده اند، در حالی که در المپیک مونترال تنها ۸ کشور دنیا موفق به کسب مدالهای قهرمانی شده بودند. در روزهای زدهم مسابقات، قهرمانان کشورهای مختلف دنیا مدال را در رشته ورزشی تماحب کردند و با فریاد خشن جنود کوردتا زده تعداد رکوردهای المپیک که در المپیک مسکو شکسته شده است، به ۸۵ و رکوردهای شکسته شده دنیا در این المپیک به ۳۰ رسید.

یک رکورد تازه در تاریخ المپیک بدست آمد و همه شرکت کنندگان در پیش طول موفق شدند بیش از ۸۰۰ متر بپروند. روز چهارشنبه همچنین یک کشتی کبوتری موفق شد بعد از ۲۰ سال برای این کشور مدال بگیرد.

ولادیمیر بویوف رئیس کمیته ملی المپیک اتحاد جماهیر شوروی در یک مباحثه مطبوعاتی در پاسخ سؤال خبرنگاران اعلام کرد: اتحاد جماهیر شوروی از سال ۱۹۵۱ تاکنون هرگز از شرکت در مسابقات المپیک خودداری نکرده است. بنا بر این اتحاد جماهیر شوروی در المپیک آینده که در لندن برگزار می شود شرکت خواهد کرد. سیاست ما جز دوستی و برابری همه مردم دنیا نیست.

برخی از نتایج بدست آمده: دوومیدانی در ۲۰۰ متر زنان: آلمان دمکراتیک با شکست رکورد المپیک اول، شوروی دوم، جامایکا سوم. ۴۰۰ متر مردان: شوروی اول، استرالیا دوم، آلمان دمکراتیک سوم.

پرتاب نیزه شوروی اول (با شکست رکورد المپیک)، شوروی دوم، آلمان دمکراتیک سوم. ۵۰ کیلو متر پرتاب دوری مردان: آلمان دمکراتیک اول، آسیا نیادوم، شوروی سوم. بسکتبال

مسابقه فینال بسکتبال زنان رازستان شوروی و بلغارستان برگزار کردند. در این مسابقه زنان شوروی ۱۰۴ بر ۷۳ تیم بلغارستان را بر بردند و قهرمان المپیک شدند. در نبردهای یوگسلاوی و مجارستان، برنده زنان یوگسلاوی بودند که در مسابقات قهرمانی شرکت کردند.

در بسکتبال مردان قهرمانان چکسلواکی با شکست دادن چشمگیر تیم ایتالیا در شب پایانی، قهرمان المپیک شدند. آن ها که در نیمه اول جنگ گل از ایتالیا عقب افتاده بودند، در نیمه اول

بقیه از صفحه اول

ترفند دیگر امپریالیسم...

نامه نمایندگان کنگره آمریکا دارای همان روح و محتوای "بیام" کارت است به امام خمینی در آستانه توطئه طبعی، در آن "بیام" نیز کارت مدعی شد که امپریالیسم آمریکا به هیچ رو با انقلاب ایران سر ستیز ندارد، و اگر تهدیدی متوجه انقلاب ایران است از سوی آمریکا نیست، بلکه از جانب شوروی است، پس هر دو سیستم (یعنی نظام امپریالیستی آمریکا و نظام جمهوری اسلامی ایران) که از سوی دشمن مشترکی تهدید می شوند، باید دوست و متحد یکدیگر باشند.

در نامه اعضا کنگره آمریکا همین ترفند امریکایی بکار گرفته شده است. در این نامه از "طل آزاد"، "نیرو های صلح و توسعه" و "خطرات مهمتری که صلح جهانی را تهدید می کند" سخن رفته است که تکرار طوطی وار خطر موهوم اتحاد شوروی و "لولوی کمونیسم" است، یعنی همان داروی خواب آوری که امپریالیسم آمریکا قبل از هر توطئه به خورد مردم ایران می دهد.

"بیام" کارت هنگامی به وسیله قطب زاده به دفتر امام ارسال شد که توطئه طبعی در شرف انجام بود. ارسال "بیام" بدان منظور بود که مردم را درباره "دسیسه های امپریالیسم خواب کرده و در لحظه مناسب ضربه قطعی را بر انقلاب فرود آورد. اکنون نیز که توطئه ۱۸ تیر به شکست انجامیده و امپریالیسم زخم خورده می خواهد با استفاده از بقایای شیکه کودتا که هنوز دست نخورده باقی است و با کمک سایر ایادی و مزدوران خود، توطئه دیگری را علیه انقلاب پیاده کند، باز همان حقه و ترفند منتپه در پوششی دیگر به بازار آمده است. سؤالی که اکنون مطرح است اینست که آیا این ۱۸۵ عضو کنگره آمریکا با سیاست امپریالیسم آمریکا در ایران مخالف بوده و مخالف هستند؟ آیا این ۱۸۵ نماینده دوستان ایران اند؟ در واقع اگر ایران ۱۸۵ دوست این چنین دلسوز در کنگره آمریکا داشت، بعید نمی نمود که آمریکا بتواند نقشه های لیدر سازمان های جاسوسی خود را علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به مرحله عمل در آورد و در کنگره آب از آب تکان نخورد؟ و آیا اصولا می توان در کنگره آمریکا، این مجمع نمایندگان انحصارات غارتگر نفت و اسلحه ۱۸۵ نماینده یافت که دوست خلقهای مستضعف جهان و از جمله ایران باشند؟

از اطلاعیه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام خطاب به انجمن های اسلامی دانشجویان کانادا و آمریکا

خروش و قهر انقلابی شما جوانان مسلمان با ردیگر دولت آمریکا را علیه غم بوق و وکرناسا وسیع تسلیمات مبنی بر آزادی و حقوق بشر به سبعا نترین اعمال واداشت.

ما هیت این بزرگ مفسدین زمین همانطوریکه خود را قرار کرده اند. در مقابل شما خونست روز افزون است چرا که از اسلام و ملت مسلمان ایران ضربات مهلکی خورده اند که تاب نتوان آنها را گرفته اند.

امروز دشمن شما ره یک آمریکا چیزی جز اسلام و امت اسلامی ایران و رهبران خمینیست بشکن نیست. ولایح، دودشمن، آنهم دو دشمن شما ره یک با هم ستیزی سخت و مهمی در پیش دارند و این ستیز با بیان نخواهد یافت مگر با شکست مستکبرین... دولت آمریکا با پدید آمدن که ما با آنها درستیزیم و میباید. اما ده ایم که هر توطئه ای را هر خدعه و فریبی را در نهان است قدرت و هوشیاری به یاری خدا دفع و بر مواضع خویش استوار و قاطع خواهیم ایستاد. آمریکا بدانند که خدعه ها و نیرنگهای او پس از بیروزی انقلاب و بخصوص پس از اشغال لانه جاسوسی و به گروگان گرفتن جاسوسان آمریکا بی منتظور شکست انقلاب اسلامی همچون محاصره اقتصاد، حملات نظامی، بمب گذاری در مراکز عمومی و توطئه کودتا دستگیری نوکران و همیمانان در منطقه و همچنین مرگ محمد خدای خائن این قاتل دهها شهید انقلاب هیچگونه غیبتی در موضع گیری ملت ایران نسبت به دولت او ایجا نخواهد کرد. بلکه امت اسلامی بر رهبری امام خمینی تا شکست این آدمخوار بزرگ و افشای جنایاتش در منطقه و بلکه در کل جهان به مبارزه خصمانه خود ادامه خواهد داد. خواهسران دولت آمریکا نسبت به شما پیمانگزاران انقلاب در دنیا و در تمام دنیا قدامت یونسالی و دروغین است که بنا به دفاع از حقوق بشر خود ساخته است که در لحظه هزاران زندان شده جهان را به خاک و خون میکشاند. نسیست بر سوا سی این رسوای همیشه تاریخ...

در مطبوعات کشور

لاله بختیار، طراح پیشرفت زنان ایران در زمان پهلوی، نماینده زنان ایرانی در کنفرانس جهانی زن

لاله بختیار، طراح پیشرفت زنان ایران، در دوران پهلوی یکی از تهیه کنندگان کتاب پانزده میلیون تومانی ایران بنام «عناصر سرنوشت» که در سال ۱۳۵۷ از طرف دربار پهلوی منتشر گردید، امروز عضو هیئت نمایندگان جهانی اسلامی ایران در کنفرانس جهانی زن در کینتاک میاند.

۱- خبرگزاری فرانسه از کینتاک (۲۸ تیرماه ۵۹) درباره هیئت نمایندگان ایران ولاله بختیار بعنوان سخنگوی هیئت نمایندگان زنان ایران، اخباری مخابره کرده است.

۲- تأیید وزارت امور خارجه در مورد عضویت لاله بختیار در هیئت نمایندگان زنان ایران.

۳- نام «لاله بختیار» در کتاب «عناصر سرنوشت» ایران- از انتشارات دربار پهلوی و دفتر نرح وهویدا بعنوان یکی از نویسندگان ثبت گردیده است.

اطلاعات ۲۰ مرداد ۱۳۵۹

این نماینده که این چنین برای حفظ صلح جهانی سینه جاک می کند، چرا هنگامی که هواپیماهای امریکایی در دل سب در بیابان های طبعی فرود آمد، تجاوز آشکار علیه استقلال و حاکمیت ایران انجام گرفت و صلح جهان تهدید شد، لب از لب نگشودند؟ این ۱۸۵ نماینده کنگره آمریکا چرا توطئه ۱۸ تیر را که مستقیما زیر نظر و سازماندهی ماموران "سیا" علیه یک کشور مستقل طرح شده بود، محکوم نکردند؟

حقیقت اینست که این ۱۸۵ نماینده مانند بقیه اعضا کنگره آمریکا رسولان انحصارات بزرگ امپریالیستی و پرنامه ریزان و تصویب کنندگان سیاست غارت و تجاوز امپریالیسم هستند و هرگز نمی توانند دوست ملل غارت شده و انقلاب های ضدامپریالیستی و از جمله مردم و انقلاب ایران باشند. وقتی مردم به دروغهای پیام کارت باور نکردند، وقتی که فرستاده امپریالیسم آمریکا "گورت والد هارم" نتوانست انقلاب ایران را با امپریالیسم جهانیانور بر سر میز آورد، زمانی که هیئت های مذهبی و سیاسی و مطبوعاتی آمریکا متحدانش نتوانستند خشم مردم را علیه امپریالیسم آمریکا فرو تانند و مردم در اجرای رهنمود امام خمینی که دشمن اصلی ما امریکاست، هشیار و بیدار، آماده برای مقابله با دسیسه های امپریالیسم شدند، امپریالیسم آمریکا طرح اقدامات دیگری را ریخت که نامه اعضا کنگره از آن زمره است. این نامه قبل از آنکه برای نرم کردن مجلس شورای اسلامی ایران و نجات گروگان ها باشد، هوای سنگین قبل از طوفان است که خبر از توطئه قریب الوقوع امپریالیسم علیه انقلاب ایران می دهد که باید به غایت هشیار بود.

مردم ایران پس از ۳۷ سال توطئه تلخ هرگز فریب ترفندهای امپریالیسم آمریکا را نمی خورند، دوستان و دشمنان انقلاب خود را می شناسند، اعتقاد راسخ دارند که "لولوی کمونیسم" ساخته دست سازمانهای جاسوسی امپریالیسم برای انحراف اذهان جبهانیان از اهداف جانیانگاران امپریالیسم است. باور دارند که انقلاب شکوهمند بهمین، و صلح جهانی را اتحاد شوروی، این کشور صلح دوست و پشتیبان خلقهای مستضعف جهان، تهدید نمی کند و تهدید استقلال مین، و صلح جهان فقط از سوی امپریالیسم جنگ افروز و تجاوزکار امریکاست که حاضر است جهانی را در پای منافع نامشروع خود قربانی کند.

مردم ایران به خوبی می دانند که برخلاف ادعای کارت، امریکانه تنها با انقلاب ایران سر دعوا و ستیز دارد، بلکه

حتی کمر قتل آن را بسته است. لازم نیست که برای اثبات جنایات آمریکا به تاریخ مناسبات ۳۷ ساله ایران و آمریکا مراجعه کنیم، کافی است اقدامات امپریالیسم آمریکا را در همین ۱۷ ماه اخیر بازبینی کنیم.

امپریالیسم آمریکا از همان آغاز در برابر انقلاب ایران، موضع خصمانه گرفت و کوشید تا مزدوری دیگر را به نسا بختیار جانشین شاه مخلوع کند، سفارت خود را در ایران به لانه جاسوسی بدل کرد و جاسوسان "سیا" در خاک کتو ما به توطئه علیه انقلاب دست زدند، امپریالیسم آمریکا میلیاردها دلار ثروت کشور ما را در بانکهای خود مسدود ساخته، خود و متحدانش دست به محاصره اقتصادی م زده، برای ریزواری با انقلاب ایران، تدارکات گسترده جنگی در اختیار هندی و دریای عمان آماده نمود، نیروی ضربتی در خلیج فارس سازمان داده، رژیمهای دست نشانده خود را در منطقه صلح نمود، به انگیزه "انساندوستانه چند میلیون تومان در اختیار "صدای آمریکا" گذارده و روزانه هشت ساعت علیه انقلاب ایران تبلیغ کند و جعل دروغ و دشنام و اتهام بخی نماید. امپریالیسم آمریکا را آورد و در منطقه نشانند "دلگرمی" ضد انقلاب باشد زاهدی را به مصر برده و بختیار را به بغداد آورد و او پس و بالیزبان را به مرزهای ایران فرستاد تا اجزاء یک توطئه خطرناک را عملی سازند. خوشبختانه هشیار مردم ه دو توطئه امپریالیسم را با شکست روبرو ساخت، اما نگ مردم ما فراموش می کنند که کارت به رئیس جمهور فرانسه پیغام فرستاد که "امریکا نمی تواند پیچ قیمتی از ایران آلمان صرف کند". مردم می دانند که امپریالیسم آمریکا ایران را می خواهد، ایران بدون انقلاب را، با سر بریده از نوع بختیار و اوپسی، تا منافع آنرا چنان تامین کند شاه محموم کرد.

جبهه اسلام رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی پاسخ به نامه کنگره درست گفته است که:

«رابطه ما با آمریکا رابطه ای خصمانه است، آمریکا دروغ می گوید، آمریکا دائما اقدام در تشدید بحران می کند، آمریکا تجاوزگر است»

نامه ۱۸۵ نماینده کنگره آمریکا، برده دود شیط بزرگ است تا در بنه آن، توطئه های دیگر و کودتایی در را علیه انقلاب ما سامان دهد.

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸

تلفن: ۹۳۴۴۵۹ - ۹۳۵۷۲۸

(ملا در انحال عناصر غیر مسئول است)